
**Studying Regional and Transnational Organizations' Policy in
Iraq's Imposed War against Iran from the International Law**

Ali Akbar Ramazanzadeh¹

Abolfazl Paseban²

ABSTRACT

Incitement to war is one of the most harmful and at the same time the most destructive human experiences. The dragon of war transforms societies and human beings into nothingness in the shortest possible time and damages human emotions. The purpose of this article is to "examine the policy and policies of regional and trans-regional international organizations in the Iraq-Iran war from the perspective of international law." In this research, which has been compiled using descriptive-analytical method and relying on library and documentary sources, the policies of international and regional and trans-regional organizations during the imposed war have been portrayed from the perspective of international law. In the international system, the structural role of international organizations in the field of international standardization and influence on foreign policy is an irreplaceable and decisive role. Although these international organizations are considered to have an independent existence in the field of the international system, but the powerful world countries have always used their influence and power to exploit these organizations for their own goals and interests. The aggression of the Ba'athist forces in Iraq against the Islamic Republic of Iran was a clear violation of Iran's territorial integrity. Iraq sought to resolve its differences with Iran through the use of force on the international stage. Meanwhile, the performance of international organizations in the international system, ignoring the invasion of Iraq and not dealing with that country, causes the war to last eight years and inflict irreparable damage on both countries.

Keywords: International Organizations, International Law, Regional, Trans-Regional, Imposed War.

1. Assistant Professor, Imam Hussein University, Tehran, Iran

2. Corresponding Author, Ph.D. Candidate, Department of Regional Studies, Imam Hussein University, Tehran, Iran
Halmataha110@gmail.com

واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل

علی اکبر رمضان زاده^۱

ابوالفضل پاسبان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

چکیده

جنگ‌افروزی یکی از زیان‌بارترین و در عین حل مخرب‌ترین تجربیات بشری محسوب می‌شود. اژدهای جنگ، جوامع و انسان‌ها، را در کمترین زمان به نیستی مبدل و عواطف بشری را خدشه‌دار می‌نماید. هدف این نوشتار «بررسی خط‌مشی و سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل» است. این پژوهش از نوع کاربردی و با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی تدوین گردیده و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، خط‌مشی و سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دوران جنگ تحمیلی از منظر حقوق بین‌الملل به تصویر کشیده است. در نظام بین‌الملل نقش ساختاری سازمان‌های بین‌المللی در زمینه‌ی هنجارسازی بین‌المللی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های خارجی، نقش بی‌بدیل و تعیین‌کننده محسوب می‌شود. این سازمان‌های بین‌المللی با آنکه در عرصه نظام بین‌المللی دارای موجودیت مستقلی فرض می‌شوند، اما کشورهای قدرتمند جهانی همواره با استفاده از نفوذ و قدرت خود، این سازمان‌ها را در جهت اهداف و منافع خود، به بهره‌برداری رسانده‌اند. تجاوز نیروهای بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده نقض کاملاً آشکار تمامیت ارضی ایران بود. عراق به دنبال حل اختلافات خود با ایران در صحنه بین‌الملل با استفاده از ابزار زور بود. در این میان عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در نظام بین‌الملل علاوه بر مقاصد سیاسی پنهان، با نادیده گرفتن تجاوز عراق و عدم برخورد با آن کشور سبب می‌شود جنگ هشت سال به طول بکشد و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر هر دو کشور وارد آید.

کلیدواژه‌ها: سازمان‌های بین‌المللی؛ حقوق بین‌الملل؛ منطقه‌ای؛ فرامنطقه‌ای؛ جنگ تحمیلی.

۱. استادیار، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ با رهبری و هدایت حضرت امام خمینی (ره) و تلاش و از خودگذشتگی مردم عزیز ایران به پیروزی رسید. انقلاب اسلامی یک انقلاب ایدئولوژیک و مبتنی بر تعالیم اسلام ناب محمدی (ص) بود که به واسطه آن مردم در دفاع از انقلاب احساس تکلیف نموده و در شهادت از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. دشمنان شکست خورده انقلاب هم با نگاه مادی‌گرایانه به نوع انقلاب با هر روش و ابزار ممکن سعی در زمین‌گیر نمودن این انقلاب مردمی داشتند. یکی از روش‌های مهم این نیت شوم، سوءاستفاده از اختلافات مرزی، نژادی و مذهبی همسایگان ایران بود. معاهده ۱۹۷۵ الجزایر در میان اسناد بین‌المللی دو کشور می‌توانست به‌عنوان برگ برنده مورد توجه دشمنان قرار بگیرد. صدام حسین، رئیس‌جمهور وقت کشور عراق ابزار اجرای همان نیت شوم بود. استکبار جهانی با فریب صدام، تمام تلاش خود را به منظور جلوگیری از توسعه انقلاب اسلامی به کار بست و او را به بهانه رسیدن به اهدافی که در پیمان‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر از آن ناکام مانده بود، تحریک به اقدام نظامی علیه ایران نمود. عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ اقدام به تجاوز گسترده نظامی علیه ایران در سرتاسر مرز مشترک زمینی به طول ۱۲۸۰ کیلومتر کرد.

جنگ ایران و عراق به دلایلی از جمله؛ طولانی بودن، جغرافیا و ژئوپلیتیک منطقه منازعه، شرایط خاص دو طرف، وضعیت نظام بین‌الملل در زمان وقوع درگیری بین طرفین، رویکرد دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بالطبع آن نگاه سازمان‌های بین‌المللی که مبتنی بر اهرم‌های قدرت‌های بزرگ و مستکبر بود، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. همین جایگاه ویژه باعث نگاه‌های سوءمدارانه و به دور از عدالت بین‌المللی و حمایت‌های گسترده و علنی از طرف متجاوز گردیده و ددمنشی مستکبران عالم را نه فقط با انقلاب مردمی ایران، بلکه با اصل اسلام ناب محمدی (ص) به رخ می‌کشید. با نگاهی گذرا به اقدامات و سیاست‌های کشورهای و سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به وضوح می‌توان دریافت که حقوق بین‌الملل در آن دارای هیچ جایگاهی نبوده و فقط به‌عنوان ابزاری برای حمایت از متجاوزان و مستکبران مورد استفاده قرار گرفته است. سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و دیپلماسی چندجانبه طی دو قرن گذشته به واقعیاتی انکارناپذیر در صحنه جهانی تبدیل شده‌اند. این نهادها و به‌ویژه کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد نقش و جایگاه قابل توجهی در فضای بین‌المللی و تعاملات میان کشورها داشته و مورد توجه ویژه افکار عمومی نیز بوده و رسانه‌های جمعی دنیا، اخبار مربوط به فعالیت‌های آن‌ها را با جدیت دنبال می‌کنند.

با توجه به این مهم که تاکنون فعالیت‌های عدیده‌ای در خصوص موضوعات مترتب بر دفاع مقدس

واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل

و جنگ تحمیلی هشت ساله صورت پذیرفته است، اما پژوهش حاضر به دنبال رفع این دغدغه است تا سیاست‌های جانبدارانه سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را از منظر حقوق بین‌الملل به طور مستند و آشکارا نمایان‌تر سازد؛ بنابراین در این پژوهش، نگارنده در راستای پاسخ به مسئله اصلی پژوهش تلاش می‌نماید، تا با بیان خط‌مشی و سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل، به عملکرد جانبدارانه آنان را اشاره کند.

مبانی نظری

در بیان مبانی نظری پژوهش، به مفاهیمی چون قوم‌بلوچ، امنیت و تهدید و مباحث پیرامونی این مفاهیم می‌پردازیم.

خط‌مشی:

خط‌مشی مجموعه اصول مدونی است که برای هدایت تصمیم و دستیابی به اهداف منطقی طراحی شده است. خط‌مشی باید از صراحت، وضوح، قابلیت اجرا، انعطاف‌پذیری، جامعیت، هماهنگی، مستدل بودن، متمایز بودن از قانون و کتبی بودن برخوردار باشد. نویسندگان مختلف از مفهوم خط‌مشی تعاریف گوناگونی را ارائه داده‌اند:

هارولد لاسول، خط‌مشی را یک برنامه طراحی شده از اهداف، ارزش‌ها و اقدامات می‌داند. آستن رنی، خط‌مشی را به منزله خطوط تعیین شده، اقدامات یا بیان خواسته‌ها می‌داند. خط‌مشی‌ها اصولی هستند که با تصمیم‌ها، اقدامات به فعالیت‌های سازمان جهت می‌دهند و آن‌ها را در مسیر تحقق اهداف تنظیم می‌نمایند. خط‌مشی نشانگر خواسته‌ها و انتظارات بخش‌های سازمان است که در فرآیند تصمیم‌گیری به صورت آیین‌نامه‌ها، قوانین و مقررات اجرایی، تقنینی و قضایی منعکس می‌شود (parsmodir.com). خط‌مشی در لغت به معنای، اساسنامه، مرام‌نامه، روش و رویه است. اولین واژه‌ای که از خط‌مشی به ذهن می‌رسد، سیاست است. خط‌مشی گذاری از یک دیدگاه معادل «تصمیم‌گیری» است؛ زیرا هنگامی که خط‌مشی تعیین می‌شود، در همان جایگاه تصمیمی اتخاذ شده است، با این تفاوت که خط‌مشی نسبت به تصمیمات موردی و ثانویه، بالاتر و اساسی‌تر است؛ بنابراین خط‌مشی ترسیم می‌شود و سپس تصمیمات با رعایت موازین پیش‌بینی شده در خط‌مشی اتخاذ می‌شود.

سازمان یا جامعه برای تداوم حیات باید از موقعیت‌هایی عبور کند و از موقعیت موجود به موقعیت مطلوب برسد، اما قبل از اینکه امکانات و توان رسیدن به موقعیت مطلوب مطرح شود اصول اساسی

انتقال از موقعیت موجود به موقعیت مطلوب مطرح می‌شود؛ پس خط‌مشی قاعده و اصول کلی و لازم برای اقدامات و حرکت‌های برنامه‌ای مطلوب است. خط‌مشی قاعده‌ای کلی است که باید بر قوانین و آیین‌نامه‌ها اشراف داشته باشد (athir.blogfa.com).

خط‌مشی عبارت از کوشش عقلایی برای دستیابی به اهداف است. خط‌مشی، به تصمیمی پایدار از طرف منبع صاحب اقتداری، همچون حکومت، شرکت یا رئیس خانواده گفته می‌شود. به‌طور کلی‌تر، خط‌مشی‌ها می‌توانند اهدافی که قرار است به دست آیند، نیز باشند. خط‌مشی عمومی، خط‌مشی‌ای است که به نیابت از مردم، و از رهگذر یک قانون عمومی اتخاذ شده و از طریق اداره امور عمومی به اجرا گذاشته می‌شود.

خط‌مشی عبارت از شیوه اقدام یا عدم اقدام نسبتاً پایدار و هدفمند است که از سوی یک بازیگر یا مجموع‌هایی از بازیگرها در قبال مسئله یا چیزی که مایه نگرانی است، دنبال می‌شود. خط‌مشی، بیانیه‌ای توسط حکومت است (در هر سطحی) درباره آنچه قصد دارد در قبال مسئله‌ای عمومی انجام دهد. چنین بیانیه‌هایی ممکن است در قانون اساسی، قوانین موضوعه، مقررات، قوانین مبتنی بر تصمیمات قضایی قبلی (یا همان تصمیمات دادگاه)، تصمیمات یک تشکیلات یا یک رهبر، یا حتی در تغییرات رفتار مقامات رسمی حکومت در هر سطحی یافت شوند، نبود چنین بیانیه‌هایی نیز می‌تواند بیانیه‌ای تلویحی از یک خط‌مشی باشد. خط‌مشی به قواعد، راهبردهای مدیریتی، فرآیندها و طرح‌هایی اشاره دارد که مردم اجازه داده‌اند که به حیثه‌های شایان توجه و نگران‌کننده آنان پردازند. این راهبردها، فرآیندها و طرح‌ها، هم می‌توانند قصد شده باشند و هم تصادفی. اغلب مقامات ذی صلاح و دارای اختیار، رویکردی را برای مواجهه با موضوع بحث‌انگیز یا نگران‌کننده (همچون جرم) شکل می‌دهند. در مواقع دیگر، نبود راهبرد یا طرحی برای مواجهه با موضوع بحث‌انگیز، طرحی است برای باقی ماندن وضع موجود یا به بیان دیگر، قصد عدم اقدام در حوزه مفروض است. وجود یا نبود چنین طرحی نیز می‌تواند نوعی خط‌مشی عمومی باشد (سوداگر، امیری، ۱۳۹۷: ۵۰۷).

سیاست:

واژه سیاست در لغت به معنی پاس داشتن ملک، حراست و نگهداری، حکم راندن، رعیت‌داری، ریاست، داوری، مصلحت، تدبیر، تأدیب، دوران‌دیشی، قهر کردن، شکنجه، عذاب، عقوبت، عدالت و غیره آمده است. فرهنگ‌های سیاسی در مفهوم اصطلاحی سیاست، تعاریف مختلفی را بیان نموده‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

فرهنگ جاسمی، سیاست را به معنای آنچه مربوط به شهر، اداره آن و متعلقات آن است، تعریف

نموده و آن را اخذ تصمیم درباره مسائل ناهمگون می‌داند.

علی آقابخشی در فرهنگ علوم سیاسی، سیاست را مجموعه تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند، بیان نموده است. همچنین سیاست در دانشنامه سیاسی، آشوری، هر امری که مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، تعریف شده است.

امک آیور و دو ورژه به نقل از فرهنگ جاسمی، سیاست را «کاربرد قدرت» و یا «پیکار بر سر قدرت»، یعنی رقابت و هم‌چشمی سیاستمداران در مبارزه برای به دست آوردن قدرت یا حفظ خویش در موضع قدرت می‌دانند.

تهانوی در کتاب «کشاف» جلد اول، سیاست را این‌چنین تعریف نموده است: «السیاسة استصلاح الخلق بارشاهم الى الطريق المستقیم المنجی فی الدنيا والآخره»، سیاست به چهار قسم است که عبارتند از: «سیاست انبیا، سیاست خلفا و سلاطین، سیاست علما و سیاست وعاظ» و همچنین تأثیری که بر باطن عامه مردم دارند.

سیاست فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگونی و ناهم‌گرایی عقیده‌ها و منافع ناشی می‌شود، می‌خواهد به یاری زور، که اغلب بر حقوق متکی است، امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی ویژه‌ای را تأمین کند (ژولین فروند، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

منازعه ایران و عراق:

روابط ایران و عراق از سال ۱۳۴۸ تا پیش از جنگ نیز به شدت تیره‌وتار بوده و پیش از انقلاب ایران، ۱۰۴ مورد درگیری و جنگ بین ایران و عراق اتفاق افتاد. مهم‌ترین اختلاف مرزی دو کشور یک اختلاف کهنه بر سر وضعیت اروندرود بود. قسمت انتهایی شط‌العرب یا اروندرود مرز دو کشور را تشکیل می‌دهد. دولت عراق معتقد بود که مرز دو کشور بایستی بر اساس مفاد قرارداد قسطنطنیه ۱۹۱۳ تعیین شود، اما ایران مرز دو کشور را خط تالوگ یعنی عمیق‌ترین قسمت رودخانه می‌دانست. دو کشور یک‌بار در سال ۱۹۳۴ اختلاف خود را به جامعه ملل ارجاع دادند، اما توافقی حاصل نشد. در سال ۱۹۳۷ نخستین معاهده مرزی دو کشور به امضا رسید. بر اساس این قرارداد مرز دو کشور در امتداد ساحل شرقی رودخانه بود، اما یک قسمت لنگرگاهی چهار مایلی در کنار آبادان به ایران اختصاص داده شده و در این قسمت خط تالوگ مرز دو کشور را مشخص می‌کرد. عراق معتقد بود ایران از شرایط داخلی سیاسی نابسامان این کشور در آن زمان برای بهبود وضعیت خود در مذاکرات سود جسته است. ایران هم از این قرارداد ناراضی بود و در دهه ۱۹۶۰ آن را فسخ کرده و خواستار مذاکرات برای

تعیین خط مرزی جدید شد و هم‌زمان با حمایت از شورشیان کرد در شمال عراق این کشور را تحت فشار گذاشت. نهایتاً در سال ۱۹۷۵ در قرارداد الجزایر عراق خواسته‌های ایران، در زمینه شط‌العرب را پذیرفت و خط تالوگ برای نخستین بار مرز رسمی دو کشور در این رودخانه شد و ایران هم در ازای آن تعهد کرد که به حمایت از شورشیان کرد پایان دهد. اما پنج سال بعد و پنج روز پیش از آغاز جنگ صدام حسین، این قرارداد را فسخ و مدعی شد این پیمان به دلیل عدم رعایت مفاد آن از سوی ایران اعتبار خود را از دست داده است. نشانه‌های تنش نظامی میان عراق و ایران، تقریباً بلافاصله پس از وقوع انقلاب ایران آشکار شد. در اثر بروز انقلاب در ایران و حوادث پس از آن، به ویژه بعد از وقوع کودتای نوژه، صدام حسین به این ارزیابی رسید که این بار ایران توان دفاع در برابر حملات او را نخواهد داشت و در عرض یک هفته تهران را فتح خواهد کرد. در ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ عراق برای نخستین بار به حریم هوایی ایران تجاوز کرد. پنج روز بعد، نیروهای عراقی به یک پست مرزی ایران در قصر شیرین حمله کردند. در اردیبهشتمه نیز عراق به شهر مهران حمله هوایی کرد. پس از آن و تا آغاز همه‌جانبه جنگ، متجاوز از ۵۶۰ مورد درگیری در مرزهای ایران و عراق گزارش شده است. جنگ ایران و عراق یا جنگ هشت‌ساله که در ایران با نام جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نیز شناخته می‌شود و در بسیاری از منابع عربی و بعضی منابع غربی از آن با عنوان جنگ اول خلیج یاد شده است و در زمان صدام حسین در عراق با نام قادیسه صدام از آن یاد می‌شد، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن، پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد. در این روز درگیری‌های پراکنده مرزی دو کشور با یورش هم‌زمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد (ویکی پدیا).

در ابتدای جنگ عراق با استفاده از عنصر غافل‌گیری موفق شد بخش‌هایی از خاک ایران از جمله شهر خرمشهر را اشغال نماید. ایران در سال‌های دوم و سوم جنگ موفق شد بیشتر مناطق اشغالی از جمله خرمشهر را آزاد نموده و از سال ۱۹۸۴ جنگ را به داخل خاک عراق بکشاند. ایران در فوریه ۱۹۸۶ موفق به تصرف فاو یکی از مهم‌ترین بنادر صدور نفت عراق شد و در ۸ ژانویه ۱۹۸۷ عملیات عظیمی به نام کربلای ۵ را برای تصرف بصره دومین شهر بزرگ عراق به انجام رساند. پس از آن، جنگ نفت‌کش‌ها با حملات دو طرف به سوی کشتی‌های غیرنظامی در خلیج فارس آغاز شد. یک جنگنده عراقی به یک کشتی جنگی آمریکایی حمله کرد و آسیب شدیدی به ناوچه یواس‌اس استارک وارد کرد و باعث مرگ ۳۷ سرباز آمریکایی شد. این اقدامات کشتیرانی بین‌المللی را در معرض خطر قرار

واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل

داد و زمینه مداخله شوروی و آمریکا را فراهم کرد، به طوری که هر دو از قطعنامه‌های شورای امنیت که از دو طرف جنگ درخواست آتش‌بس داشت، حمایت می‌کردند. در سال چهارم و پنجم، ارتش عراق به‌طور گسترده از جنگ‌افزارهای شیمیایی علیه کردهای عراقی و مردم و نظامیان ایران استفاده کرد؛ همچنین دو طرف چندین بار اقدام به بمباران و موشک‌باران شهرها و اهداف غیرنظامی کردند که بیشتر توسط عراق انجام شد. در اواخر جنگ، درگیری‌ها به خلیج فارس کشیده شد که باعث آسیب دیدن تعداد زیادی سکوی نفتی و کشتی‌های تجاری و نفت‌کش با پرچم کشورهای گوناگون شد. دو کشور در طول جنگ آسیب‌های فراوان اقتصادی دیدند. جنگ ایران و عراق یکی از مهم‌ترین برخوردهای نظامی دوران معاصر بود، که منافع بیشتر کشورهای جهان را تهدید کرد و بیشتر بر کشورهای تأثیر گذاشت که بیشترین ذخایر نفتی جهان را داشتند. در این جنگ، برخی تصور کردند که پیروزی هر یک از دو کشور ایران یا عراق موجب برهم خوردن ثبات و توازن قوا در منطقه خواهد شد. به همین دلیل ابرقدرت‌ها کوشیدند تا هیچ کدام از این دو کشور پیروز نشوند. شوروی، یکی از دو ابرقدرت آن دوران، از سال ۱۹۸۰ فروش جنگ‌افزار به هر دو کشور را متوقف کرده بود، اما از سال ۱۹۸۲ به منبع اصلی عراق برای خرید سلاح‌های پیشرفته تبدیل شد. آمریکا در اواخر جنگ چند بار به شکل مستقیم وارد درگیری با ایران شد. این جنگ در مردادماه ۱۳۶۷ با قبول آتش‌بس از سوی دو طرف و پس از به‌جا گذاشتن ۱۱۹۰ میلیارد دلار خسارات به دو کشور خاتمه یافت. مبادله اسیران جنگی بین دو کشور از سال ۱۳۶۹ آغاز شد. ایران آخرین گروه از اسرای جنگی عراقی را در سال ۱۳۸۱ به عراق تحویل داد. شورای امنیت سازمان ملل متحد در کل ۸ قطعنامه درباره این جنگ صادر نمود که سرانجام قطعنامه ۵۹۸ به تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۶۷، توسط ایران پذیرفته و جنگ به پایان رسید (دانشنامه آزاد).

شورای همکاری خلیج فارس (GCC):

شورای همکاری خلیج فارس سازمانی منطقه‌ای و بلوکی سیاسی-تجاری است که شش کشور امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت آن را تشکیل داده‌اند. این شورا در ۲۵ می ۱۹۸۱ میلادی یعنی هشت ماه پس از جنگ ایران و عراق با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی کشورهای عضو تشکیل شد.

ترس از دو کشور ایران و عراق، و بیش از همه، مقابله با انقلاب اسلامی ایران نقش عمده‌ای در اتحاد و همگرایی این کشورها و به‌طور کلی تشکیل این اتحادیه منطقه‌ای داشت. با اینکه شورای همکاری خلیج فارس همواره الگویی از انسجام و دیپلماسی به شمار آمده است، میان کشورهای عضو آن اختلاف‌هایی وجود دارد و تا حدودی دچار چالش و گسست است. از جمله این اختلافات می‌توان

به اختلافات بین عربستان سعودی و امارات متحده در سال ۲۰۰۹، اختلاف بین امارات و عمان در سال ۲۰۱۱ و اختلاف بین عربستان سعودی، امارات و بحرین با قطر در سال ۲۰۱۴ اشاره کرد (محمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

مهم‌ترین اهداف تشکیل شورای همکاری خلیج فارس عبارت است از:

- همکاری و حمایت متقابل اعضا در مقابل ناآرامی‌های داخلی؛
 - همکاری و حمایت متقابل اعضا در مقابل تهدیدهای خارجی؛
 - تأمین ثبات (یا حفظ وضع موجود در خلیج فارس)؛
 - هماهنگی سیاست خارجی اعضا؛
 - هماهنگی سیاست دفاعی اعضا؛
 - همکاری‌های اقتصادی؛
 - همسویی مواضع در قبال مسائل عمومی؛
 - هماهنگی و اشتراک قوانین اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو.
- خط‌مشی ایران و اعراب نسبت به امنیت منطقه اساساً متناقض است. شورای همکاری خلیج فارس دارای یک‌سری مبانی هویتی است که اهم آن به شرح زیر می‌باشد:
- ادعای رهبری جهان اسلام و عرب به زعامت عربستان؛
 - ادعای هژمونی عربی در خلیج فارس؛
 - تلاش برای هویت عربی بخشیدن به خلیج فارس؛
 - تقابل ایرانی-عربی؛
 - نظام‌های پادشاهی.

در واقع از همان بدو تشکیل، این شورا نگرشی بدبینانه و همراه با سوءظن نسبت به ایران داشته است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از همان آغاز تجاوز عراق و در راستای راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مبنی بر کنترل انقلاب اسلامی و جلوگیری از بالندگی آن، کمک‌های بسیار ذی‌قیمتی در اختیار عراق گذاردند (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۷۷).

در طول هشت سال جنگ، برخی از عمده‌ترین کمک‌های کشورهای عضو شورا به عراق عبارت

بودند از:

- دریافت کمک حدود ۲۴ میلیارد دلار عراق از این کشورها در سال ۱۹۸۲
- صدور قسمتی از نفت تولیدی عراق از طریق خطوط لوله عربستان سعودی به دریای سرخ و

فراهم کردن تسهیلاتی تا به موجب آن قسمتی از درآمدهای سالانه ناشی از صدور نفت عربستان و کویت به حساب دولت عراق واریز گردد. (عزتی، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

سازمان کنفرانس اسلامی (OIC):

با شروع جنگ جهانی دوم، دوره پیگیری افکار پان اسلامی به پایان رسید و جهان اسلام، وارد دوره جدیدی از حیات سیاسی خود شد. واقعیات این دوره، آثار عمیقی بر افکار سیاسی مسلمانان بر جای گذاشت. اهم این واقعیات عبارت بودند از:

- شکست مسلمانان در جنگ ۱۹۴۸ در فلسطین و تأسیس دولت صهیونیستی؛
- تأسیس کشور اسلامی پاکستان در بخش‌های مسلمان‌نشین هند؛
- آغاز عصر استعمارزدایی و استقلال تدریجی کشورهای اسلامی در منطقه؛
- ظهور ناسیونالیسم به عنوان یک نیروی مهم سیاسی.

بر این اساس، نیروهای اسلام‌گرا در جهان اسلام خواهان تشکیل جبهه‌ای متحد از کشورهای اسلامی، در نظام موجود بین‌المللی بودند. حضور این نیرو، با تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی، به نتیجه مشخص و ملموسی انجامید، اما تلاش‌های معاصر برای تحقق این هدف، به دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. تشکیل «کنفرانس عمومی اسلامی» که با کوشش مصر، عربستان و پاکستان در ۱۹۵۲ صورت پذیرفت، یکی از اولین اقدامات کشورهای اسلامی در این رابطه بود. شکست ۱۹۶۷ میلادی اعراب از اسرائیل و نیز هم‌زمان با آن، آتش‌سوزی در مسجدالاقصی (در ۲۱ اوت ۱۹۶۹)، زمینه را برای عملی ساختن طرح برپایی کنفرانس سران اسلامی فراهم ساخت و موجی از خشم و بدبینی نسبت به یهودیان در جهان اسلام پدید آورد. با برپایی این کنفرانس در رباط (مغرب) بود که این حرکت صورت عملی به خود گرفت. در پایان این کنفرانس، اعلامیه‌ای منتشر شد که در آن آمده بود که «دولت‌ها و ملت‌های آن‌ها مصمم‌اند هرگونه راه‌حلی در مورد مسئله فلسطین را که متضمن بازگشت قدس به وضع پیش از ژوئن ۱۹۶۷ نباشد، رد کنند» و نیز اجلاس‌های بعدی را تنظیم کردند که در اجلاس سوم وزیران خارجه که (مارس ۱۹۷۲) در جده برگزار شد، منشور سازمان مورد تصویب قرار گرفت و به این ترتیب سازمان کنفرانس اسلامی، رسماً موجودیت یافت (www.hamshahrionline.ir).

در نیمه دوم قرن بیستم، سران کشورهای اسلامی پس از حدوث یک سلسله رویدادهای سیاسی در جهان اسلام، ضرورت ایجاد سازمانی را که بتواند از بیش از ۵۰ کشور اسلامی، امت یکپارچه‌ای بسازد و به جای تفرقه و اختلافات، وحدت و همبستگی را جایگزین کند، احساس نمودند. سرانجام با پیشگامی سران کشورهای اسلامی ایران، عربستان و مراکش، کنفرانسی از وزرای امور خارجه

کشورهای عرب، سال ۱۹۶۹ در قاهره راه‌های موجود برای ایجاد سازمانی با معیارهای اسلامی را بررسی کردند. اولین کنفرانس سران اسلامی از ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ در شهر ریاط پایتخت کشور مراکش تشکیل گردید. بدین ترتیب، سازمان کنفرانس اسلامی با مساعی برخی از دولت‌های اسلامی در قالب یک نهاد بین‌المللی و بر اساس حقوق سیاسی اسلام شکل گرفت. در منشور سازمان کنفرانس اسلامی، ضمن برشمردن اهداف «سکا» به تعابیری نظیر «همبستگی کشورهای اسلامی»، «تفاهم» و «همکاری» تأکید شده است. به عبارت دیگر، از جمله اهداف اساسی سازمان کنفرانس اسلامی افزایش همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو و حمایت از همکاری‌های فی‌مابین این کشورها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی است. سازمان کنفرانس اسلامی، با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان یکی از سازمان‌های بین‌المللی کنونی جهان و دومین سازمان بین‌دولتی پس از سازمان ملل متحد است. دبیرخانه، دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی و کمیته‌های تخصصی از ارکان سازمان کنفرانس اسلامی است که رکن عالی آن، پادشاهان و رؤسای کشورها و سران دولت‌ها است که هر سه سال یک‌بار در پایتخت یکی از کشورهای عضو سازمان برگزار می‌شود. علاوه بر اجلاس کشورهای اسلامی، یک اجلاس دیگری به وسیله وزرای خارجه کشورهای اسلامی هر سال یک‌بار و در صورت لزوم چند بار تشکیل می‌شود. کشورهای آسیایی عضو شامل ۱۲ کشور می‌باشد: جمهوری آذربایجان، افغانستان، اندونزی، ایران، برونئی، بنگلادش، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ترکیه و مالزی. گروه‌های آفریقایی شامل ۱۷ کشور است: اوگاندا، بورکینافاسو، توگو، چاد، تانزانیا، سنگال، سیرالئون، کامرون، کومور، گابن، گامبیا، گینه بیسائو، مالدیو، مالی، موریتانی، موزامبیک، نیجر و نیجریه. گروه کشورهای عربی شامل ۲۱ کشور است: اردن، الجزایر، امارات متحده عربی، بحرین، تونس، جیبوتی، سودان، سوریه، سومالی، عراق، عربستان سعودی، عمان، دولت فلسطین، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، مصر، موریتانی و یمن. کشور آلبانی تنها کشور اروپایی است که در سال ۱۹۹۳ به سازمان کنفرانس اسلامی ملحق شد و سورنیام از قاره آمریکا نیز در سال ۱۹۹۶ به سازمان کنفرانس اسلامی پیوسته است.

در اجلاس پنجم سران کنفرانس اسلامی در کویت ۱۹۸۷، با تصویب قطعنامه‌ای، دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی، نیز یکی از ارکان این سازمان، اعلام شد که مقر آن در کویت و متشکل از ۷ قاضی برای مدت ۴ سال است. حوزه اقتدار آن عبارت است از: در مورد مسائلی که دولت‌های عضو متفقاً به دادگاه احاله داده باشند و مسائلی که در معاهدات لازم‌الاجرا مطرح می‌شود و تفسیر معاهدات دو یا چندجانبه و تحقیق در هر موضوعی از موضوعات حقوق بین‌الملل و تحقیق در مورد واقعه‌ای که موجب تزلزل در

تعهدات بین‌المللی است (دانشنامه حوزوی ویکی فقه، fa.wikifeqh.ir).

اهداف سازمان کنفرانس اسلامی:

- (۱) افزایش همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو؛
- (۲) حمایت از همکاری فی‌مابین کشورهای عضو در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و دیگر زمینه‌های حیاتی و مشاوره با کشورهای عضو سازمان‌های بین‌المللی؛
- (۳) تلاش برای از بین بردن تبعیض نژادی و استعمار با اشکال گوناگون؛
- (۴) اتخاذ اقدامات لازم برای حمایت از صلح و آرامش بین‌المللی که بر اساس عدل استوار است؛
- (۵) ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های خود به منظور حفظ آرامش و صلح در اماکن مقدسه و آزاد ساختن آن‌ها و حمایت از مبارزه ملت فلسطین و کمک به ملت فلسطین، برای باز پس گرفتن؛
- (۶) حمایت از مبارزه همه ملل اسلامی به خاطر حفظ حیثیت و استقلال و حقوق ملی خویش؛
- (۷) فراهم کردن اوضاع مناسب برای افزایش تفاهم میان کشورهای عضو و کشورهای دیگر (women.gov.ir).

عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران:

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از جمله اختلافاتی بود که سازمان تلاش‌هایی برای حل و فصل آن به عمل آورد. چنانکه در همان ابتدای شروع این جنگ کمیته‌ای با عنوان «کمیته مساعی جمیله» تشکیل داد (مؤتمر القمه الاسلامی الرابع، ۱۹۸۴ م، قرار رقم ۴/۸ - س (ق ا)). این کمیته دو طرح برای برقراری صلح بین دو کشور ارائه داد، اما سازمان در مجموع به دلیل نفوذ گسترده دولت‌های قدرتمند میانه‌رو عرب نتوانست به اتخاذ تصمیمات اصولی، عادلانه و منطبق با منشور سازمان مبادرت کند. این سازمان با تأکید بر استقرار آتش‌بس، بدون عقب‌نشینی نیروهای متجاوز، عملاً به جانبداری از طرف عراقی پرداخت. هرچند تحولاتی در جهت واقع‌بینی سازمان نسبت به جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در طول زمان متأثر از اقدامات نظامی دیده می‌شود. اما این اقدامات مصلحت‌اندیشانه با توجه به ساختار اقتصادی - نظامی کشورهای عضو و ناتوانایی آن‌ها در اعمال فشار بر طرفین و مواضع حمایت‌گرانه کشورهای عربی از عراق قابل توجه بود.

بررسی عملکرد و کارکرد سازمان همکاری اسلامی در مناقشات منطقه‌ای از جمله در جنگ عراق علیه ایران، اختلاف بین سنگال و موریتانی، اشغال کویت توسط عراق، جنگ داخلی افغانستان و بوسنی و هرزگوین و بحران بالکان و بحران‌های مسلمانان کشمیر در هند، تیمور شرقی در اندونزی و میندانائو در فیلیپین نشان می‌دهد که سازمان در این موارد بیشتر یک نظاره‌گر بوده و علی‌رغم قدرت و توانایی

این سازمان نقشی فعال و تأثیرگذار در جهت حل مسالمت‌آمیز اختلافات کشورهای اسلامی نداشته و از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های خود در این زمینه به‌درستی بهره نبرده است. به نظر می‌رسد برخی عوامل به‌نوعی توجیه‌کننده عدم موفقیت سازمان در زمینه برقراری صلح و امنیت در منطقه و کشورهای عضو است. عواملی از قبیل: فقدان چارچوب قانونی و ضمانت اجرایی برای مصوبات سازمان همکاری اسلامی؛ اختلافات و منازعات میان کشورهای عضو؛ وجود اتحادیه‌های درون‌سازمانی و فقدان روزآمدی ساختار و اهداف سازمان همکاری اسلامی، از جمله این عوامل هستند (asiawt.isca.ac.ir).
جنبش عدم تعهد:

جنبش غیرمتعهدها یا عدم تعهد یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی، تأسیس و شامل کشورهایی می‌شد که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت نظام جهانی (آمریکا یا شوروی) وابستگی و تعهدی نداشتند؛ یعنی نه در اردوگاه کمونیسم قرار داشته و نه به اردوگاه سرمایه‌داری تعلق داشتند. این سازمان با پایان جنگ سرد نیز به فعالیت خود ادامه داده و در سال ۲۰۱۲ در مجموع ۱۲۰ دولت عضو و ۱۷ عضو ناظر داشته است. در ۱۹۶۱ اولین اجلاس سران عدم تعهد با حضور مارشال یوسیپ بروز تیتو، رهبر یوگسلاوی؛ قوام نکرومه، رهبر غنا؛ جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر؛ جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند و احمد سوکارنو، رهبر استقلال اندونزی در کنفرانسی که در شهر بلگراد در کشور یوگسلاوی برگزار شد و این سازمان موجودیت خود را اعلام کرد. ایران در سال ۱۹۷۹ پس از پیروزی انقلاب به جنبش عدم تعهد پیوست. در سال‌های اولیه حیات جنبش ایرانیان، نام آن را به «جنبش ناوابستگان» ترجمه کردند، اما به دلیل عدم استقبال عمومی نام «غیرمتعهدان» مصطلح گردید. لغو برگزاری هفتمین اجلاس سران در بغداد به دلیل جنگ ایران و عراق و انتقال این اجلاس به دهلی‌نو از مهم‌ترین رویدادهای جنبش به حساب می‌آید (www.porseman.com).

نقش و عملکرد جنبش عدم تعهد در بحران جنگ ایران و عراق

ایران و عراق هر دو عضو جنبش عدم تعهد بودند. تشکیل «کمیته حسن نیت» در جنبش عدم تعهد تمایل باطنی اعضای آن را برای فیصله یافتن جنگ نشان می‌داد، اما مخالفت‌های عراق که در مهر و موم‌های اول جنگ در موضع برتری قرار داشت، کار آن را بی‌نتیجه گذاشت. سکوت سنگینی که پس از آن بر جنبش عدم تعهد حکم فرما شد، در حقیقت اعلام ناکارآمدی و پایان دوران درخشان این جنبش بود. در حالی که عراق سال‌ها پیش‌تر از ایران عضوی از جنبش عدم تعهد بوده است، با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و به دنبال آن، خارج شدن ایران از پیمان‌های غربی‌ای که در آن‌ها

واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل

عضویت داشت از جمله پیمان سنتو، ایران بر یکی از مسائلی که همواره مانع از ورودش به عضویت جنبش می‌شد غلبه نمود و عضوی از این سازمان شد. عضویت ایران ابتدا در نشست دفتر هماهنگی جنبش عدم تعهد در کلمبو به تصویب اولیه رسید و سپس در کنفرانس ششم در هاوانا پایتخت کوبا در سال ۱۹۷۹م به‌عنوان هشتاد و هشتمین عضو به تصویب نهایی رسید. بنابراین هنگام حمله عراق به ایران هر دو کشور عضو این جنبش بوده‌اند و انتظار از جنبش این بود که تمام توان خود را برای خاموش شدن شعله‌های جنگ به کار گیرد. اما برخی از مسائل مانع از به ثمر نشستن تلاش‌های این نهاد شد. مهم‌ترین این مسائل به‌قرار زیر است:

الف) ساختار نظام بین‌الملل: ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل الزاماً شرایطی را بر جنبش تحمیل نمود که مانع از عملکرد صحیح این جنبش در جنگ ایران و عراق شد. دورانی که ابرقدرت‌ها تعیین‌کننده بودند دشواری‌های مسیر رسیدن به صلح و پیشرفت برای کشورهای جنبش سخت‌تر از همیشه بوده است؛ بنابراین تنها میل و اراده اعضای جنبش برای خواباندن آتش جنگ کافی نبود.

ب) منافع ابرقدرت‌ها: ابرقدرت‌ها به‌ویژه آمریکا، آشکارا و تلویحاً نگرانی خود را از پیروز شدن یک‌طرف جنگ اعلام کرده بودند؛ بنابراین منافع آن‌ها اقتضا می‌کرد که جنگ تا زمان ضعیف شدن ایران و عراق ادامه پیدا کند. به همین علت با سنگ‌اندازی‌های بسیار، سعی در بی‌نتیجه کردن اقدام‌های نهادهای مختلف بین‌المللی از جمله جنبش عدم تعهد داشتند. از طرفی برای ابرقدرت‌ها بسیار گران تمام می‌شد که نهادی که در آن عضو نیستند این بحران بین‌المللی را مدیریت کند.

ج) کارشکنی برخی اعضای جنبش: برخی اعضای جنبش عدم تعهد به‌ویژه کشورهای طرفدار عراق با سنگ‌اندازی‌های متوالی در متجاوز اعلام شدن عراق در نشست‌های مختلف این جنبش، مانع از برقراری صلح و آتش‌بس میان ایران و عراق می‌شدند. بدین ترتیب با دور افتادن جنبش از آرمان‌های بنیان‌گذاران و اصول و اهداف جنبش مانند احترام به حاکمیت کشورها، اعضای جنبش از اتخاذ موضع‌گیری شفاف در قبال جنگ ایران و عراق بازماندند.

د) سنگ‌اندازی‌های عراق: مخالفت‌های عراق که در سال‌های اول جنگ در موضع برتری قرار داشت، کار کمیته حسن نیت که تمایل باطنی اعضای جنبش عدم تعهد برای فیصله یافتن جنگ نشان می‌داد را بی‌نتیجه گذاشت و سبب‌ساز طولانی شدن جنگ و دشوار شدن مسیر دستیابی به صلح شد. بعدها نیز قطع نامه‌های جنبش عمدتاً به علت نداشتن صراحت لازم در محکومیت عراق به‌عنوان متجاوز، نه تنها از سوی ایران با استقبال مواجه نشد، بلکه نسبت به حسن نیت کمیته تردیدهایی نیز به وجود آمد. ه) طولانی شدن زمان جنگ: با طولانی شدن زمان جنگ و پیش آمدن سایر مسائل مهم بین‌المللی

و همچنین تغییر کشورهای که ریاست جنبش را بر عهده داشتند مانعی دیگر بر تلاش‌های جنبش عدم تعهد، در رسیدن به راه‌حلی عادلانه، برای رسیدن به صلح بین دو کشور بود. یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های جنبش، شکل‌گیری و تأسیس آن در دوران دوقطبی نظام جهانی است. درست زمانی که ابرقدرت‌ها جهان را بین خود تقسیم نموده بودند و کمتر کسی فکر می‌کرد که نهادی به دور از قطب‌بندی‌ها به دنبال مبارزه با سلطه و استعمار شکل بگیرد. شکستن هیمنه قدرت و زورگویی ابرقدرت‌ها بی‌شک موفقیتی بود که کمتر کسی تصور آن را می‌نمود. با تمام موانعی که ذکر شد، جنبش عدم تعهد، اقدام‌هایی را بر حل و فصل جنگ میان ایران و عراق انجام داد. خلاصه مهم‌ترین این اقدام‌ها عبارتند از:

- الف) قرار دادن جنگ ایران و عراق در محور اصلی موضوعات مورد بحث کنفرانس‌های مختلف (به‌ویژه در کمیته سیاسی) جنبش در دوران جنگ؛
- ب) خواست و تمایل برخی سیاست‌مداران آزاداندیش جنبش از جمله «ایندیرا گاندی» برای ایجاد صلح میان ایران و عراق؛
- ج) محکوم کردن هر نوع جنگ و تأکید بر اصول جنبش عدم تعهد مبنی بر تجاوز نکردن، به کار نبرد زور، حفظ تمامیت ارضی کشورهای عضو؛
- د) رایزنی‌های گسترده کمیته حسن نیت جنبش برای توقف جنگ؛
- ه) مساعی جنبش عدم تعهد از راه برخی دولتمردان (به‌ویژه وزیر امور خارجه) کشورهای عضو برای کمک به اجرای اصول و آرمان‌های اولیه جنبش؛
- و) با خواست ایران و سوریه، سران جنبش عدم تعهد با تغییر محل کنفرانس هفتم سران از بغداد به دهلی‌نو موافقت نمودند؛
- ز) محکومیت ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران در تیرماه ۱۳۶۷ و حمایت از اجرای قطعنامه ۵۹۸.

در برابر تمام این اقدام‌ها (البته ناقص) که جنبش در قبال جنگ تحمیلی‌ای که عراق علیه ایران آغاز نموده بود، انجام داد، جمهوری اسلامی ایران همواره خواستار موضع روشن و قطعی در برابر این تجاوز و محکوم کردن متجاوز و تعلیق عضویت عراق به‌عنوان کشوری متجاوز بود. در این راستا، علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت ایران، در اجلاس دفتر هماهنگی غیر متعهدها در دهلی‌نو (شانزدهم تا نوزدهم آوریل ۱۹۸۶م.) اظهار داشته بود: «باگذشت چند سال پس از تجاوز رژیم بعث عراق به قلمرو جمهوری اسلامی ایران، نهضت عدم تعهد هنوز نتوانسته است موضع صحیح و عادلانه‌ای در قبال این

واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل

تجاوز اتخاذ نماید. برای مردم ایران عجیب نبود که سازمان ملل متحد بانفوذی که کشورهای قدرتمند در آن دارند، دست به موضع‌گیری یک‌طرفه و کاملاً غیرمنطقی و غیرعادلانه بزند ولی در مورد نهضت عدم تعهد انتظارات به نحو دیگری بود.» (www.porseman.com).

سازمان ملل متحد:

سازمان‌های بین‌المللی در سه مرحله دوران تطور خود را پشت سر گذاشته‌اند: دوره اول مربوط به اولین قدم برای تشکیل سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شود. کنسرت اروپایی پس از جنگ‌های ناپلئون تشکیل شد. در کنگره وین سؤال اصلی این بود که چه کار کنیم جنگ مجدد دیگری در قاره اروپا رخ ندهد. پیروزمندان جنگ در قالب موازنه قوا چارچوب نظری‌ای را ایجاد کردند که بر مبنای موازنه قدرت نظارت کند و به این ترتیب شالوده اولین سازمان بین‌المللی گذاشته شد. باید توجه نمود که این سازمان یک گرایش امنیت بنیان داشته است؛ یعنی دلیل اصلی برپایی چنین سازمانی پاسخ به یک‌شکل امنیتی بوده و راهکارهای ارائه‌شده برای حل بحران نیز عمدتاً نظامی است. نظم مطرح‌شده در قالب کنسرت اروپا حدود یک قرن دوام آورد و در سال ۱۹۱۴ پس از شروع جنگ جهانی اول پایان یافت (سیمبر، قربانی، ۱۳۹۳: ۳۴).

پس از پایان جنگ جهانی اول دومین مرحله تشکیل سازمان بین‌المللی در قالب جامعه ملل به وجود می‌آید. ایده تشکیل جامعه ملل توسط ویلسون، رئیس‌جمهور آمریکا مطرح می‌شود، اما خود آمریکا به عضویت جامعه ملل در نمی‌آید. این سازمان که در جهت نزدیک کردن دولت‌ها گام‌های بزرگی برداشت، به ضعف‌های بنیادین و ساختاری خود نتوانست از وقوع توفان ویرانگر جنگ جهانی دوم که خسارت فراوان و میلیون‌ها قربانی برجای گذاشت، جلوگیری کند (موسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۱). جامعه ملل بنیان سازمان ملل متحد را گذاشت، اما به دلایل متفاوت از جمله نداشتن قوه قهریه و اینکه اعضا همه دارای حق و تو بودند، چندان با موفقیت همراه نبود و سال‌های ۱۹۳۳ به بعد علامت‌های شکست آن هویدا شد تا اینکه در ۱۹۳۹ پس از حمله آلمان به لهستان عمداً به عمر این سازمان پایان داده شد (سیمبر، قربانی، ۱۳۹۳: ۳۵).

پس از پایان جنگ جهانی دوم سومین مرحله تشکیل سازمان بین‌المللی در قالب سازمان ملل متحد به وجود می‌آید. پس از شکست جامعه ملل، پیروزمندان جنگ جهانی دوم به دنبال سازمان بین‌المللی دیگری بودند که مستحکم‌تر و مطلوب‌تر از جامعه ملل باشد تا جلوی جنگ دیگری را بگیرند. سازمان ملل متحد برای این منظور طراحی شد که مرکز دیپلماسی چندجانبه سیاست جهانی پس از جنگ باشد. سازمان ملل اصل قدیمی تساوی حاکمیت همه دولت‌ها را حفظ کرد؛ با وجود این در عین حال اعضا را به

عدم استفاده از زور و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات متعهد ساخت (کیت اس. پیس، ۱۳۹۲: ۵۸).
مجمع عمومی، شورای امنیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای اقتصادی و اجتماعی، دبیرخانه و شورای قیمومیت از ارکان سازمان ملل متحد است، اما در بین ارکان شورای امنیت، دبیرکل و مجمع عمومی از ارکان‌های مرتبط به صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشند. شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان رکن اجرایی سازمان ملل، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به‌موجب ماده ۲۴ منشور بر عهده دارد. در اجرای این مسئولیت شورا از اختیارات فصل ششم و هفتم یعنی توسل به روش‌های مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی و در فاز بعدی استفاده از اقدامات قهری فصل هفتم برخوردار است. از ۱۵ عضو، ۵ عضو دائم دارای حق وتو می‌باشند. (امینی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۱)،
عملکرد سازمان ملل متحد در جنگ هشت ساله ایران و عراق:

مهم‌ترین و ماندگارترین فصل روابط میان ایران و سازمان ملل متحد بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ و در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق شکل گرفت. اولین واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد به تجاوز همه‌جانبه عراق به ایران بسیار دیر و کم‌رنج بود. برای حدود یک هفته شورای امنیت از تشکیل جلسه و صدور قطعنامه خودداری کرد تا اینکه بالاخره در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ و در جلسه ۲۲۴۴ خود مبادرت به صدور قطعنامه‌ای بسیار ضعیف کرد. آنتونی پارسونز، سفیر وقت بریتانیا در سازمان ملل متحد که از نزدیک در جریان تصمیمات شورا در این مقطع تاریخ بوده است، طی مصاحبه‌ای، دلایل عملکرد این‌گونه شورا را قضیه گروگان‌گیری کارمندان سفارت آمریکا در تهران، انزوای سیاسی ایران و عملکرد قوی دستگاه دیپلماسی عراق می‌داند (خانی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). شورای امنیت، همچنین ۱۰ بیانیه مختلف دیگر در طول جنگ عراق علیه ایران صادر کرده است. شورای امنیت در قطعنامه‌هایی که از زمان آغاز جنگ در سال ۱۹۸۰ تا اکتبر ۱۹۸۶ (قطعنامه‌های ۴۷۹ تا ۵۸۸) صادر کرد، بدون اشاره به طرف آغازگر جنگ یا محکومیت آن، خواستار آتش‌بس میان طرفین می‌شد. در ۲۰ جولای ۱۹۸۷ شورای امنیت مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین قطعنامه خود در خصوص جنگ ایران و عراق را به تصویب رساند. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به دنبال گسترش دامنه جنگ و افزایش نگرانی‌های شورای امنیت و کشورهای دیگر، به خصوص کشورهای منطقه و حامیان عراق در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) در جلسه شورای امنیت به تصویب رسید. این قطعنامه که طرح آن از سوی آمریکا تنظیم شده بود، با حضور وزرای خارجه کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، آرژانتین و امارات متحده عربی و همچنین جانشین وزیر خارجه ژاپن به تصویب رسید. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در حالی تصویب شد که شورای امنیت و قدرت‌های بزرگ مصمم بودند به جنگ ایران و عراق که در آن

زمان حدود ۷ سال طول کشیده بود، پایان دهند. مهم‌ترین بند قطعنامه ۵۹۸ که آن را از سایر قطعنامه‌های شورای امنیت متمایز می‌ساخت، بند ششم آن بود. در واقع، گنجاندن همین بند در قطعنامه بود که توانست بعدها موجبات رضایت ایران به پذیرفتن آن و تن دادن به آتش‌بس را فراهم آورد. بر اساس این بند، شورا برای اولین بار از شخص دبیر کل می‌خواست تا ضمن رایزنی با دو کشور در زمینه مسئولیت آغاز منازعه تحقیق و تفحص کند و نتیجه را در اسرع وقت به شورا گزارش دهد (خانی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

اقدامات سازمان ملل متحد، در مورد تجاوز عراق به ایران اجتماع جهانی را در مقابل چند پرسش اساسی قرار می‌دهد: نقش سازمان ملل متحد که با هدف اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وجود آمده است، در جلوگیری از وقوع و گسترش جنگ و در پایان بخشیدن به تجاوز و اعاده صلح چیست؟ در مورد احراز تجاوز و تشخیص و تنبیه متجاوز، چه اقداماتی انجام داده است؟ این اقدامات تا چه حد با مفاد منشور ملل متحد انطباق دارند؟ آیا این اقدامات در عمل توانسته است مؤثر باشد؟

سازمان ملل متحد از طریق شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیر کل در قالب پیش‌بینی‌های منشور و رویه سازمان ملل متحد است که می‌تواند وفاداری اعضای آن به اصول و مقاصد را نشان دهد که این سازمان به خاطر آن‌ها تشکیل شده است. اگر سازمان ملل متحد نتواند با اقدامات خود، در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که هدف آن است، موفق گردد، چگونه خواهد توانست به دیگر هدف‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یابد که بیشترین بخش فعالیت‌های سازمان را به خود اختصاص می‌دهد (مصفا و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۱). تجاوز رژیم بعثی عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران و آغاز جنگ هشت سال هنگامی رخ داد که ۳۵ سال از عمر سازمان ملل متحد سپری شده بود و همین امر سبب می‌شود که عملکرد سازمان ملل متحد در جنگ هشت‌ساله جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث عراق در بوته آزمایش قرار گیرد (www.dm40.guilan.ac.ir).

در ظهر روز تجاوز عراق به ایران «آدولف ستاجوهار» سخنگوی مطبوعاتی سازمان ملل متحد، در مصاحبه مطبوعاتی روزانه با خبرنگاران رسانه‌های گروهی، قبل از بیان هر مطلب، جلسه را با قرائت اعلامیه کورک ولدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، درباره جنگ عراق افتتاح کرد. در این اعلامیه گفته شد که «دبیر کل با نگرانی فزاینده و عمیق، تیره‌تر شدن روابط ایران و عراق و شدت یافتن اختلاف بین آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. دبیر کل، از هر دو دولت خواست که نهایت خویش‌داری را به عمل آورند و تا آنجا که می‌توانند برای رفع اختلافات خود از طریق مذاکره راه‌حلی پیدا کنند» (آقایی، ۱۳۹۲: ۲۷۳). در این اعلامیه دبیر کل اقدام غیر مسالمت‌آمیز صدام حسین در

حمله به خاک جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمی‌سازد و دولت عراق را به خاطر اینکه اختلافات خود با تهران را از طریق مسالمت‌آمیز طبق منشور سازمان ملل متحد عمل نکرده است و دست به استفاده از زور علیه همسایه خود زده است محکوم نکرده است. دبیرکل در استفاده از اختیاراتی که به موجب ماده ۹۹ منشور ملل متحد داشت توجه به شورای امنیت را به موضوع ایران و عراق جلب کرد ولی برخلاف معمول، تقاضای تشکیل جلسه رسمی شورا را نکرد، بلکه از رئیس شورا خواست که اعضای شورای امنیت را برای مشاوره دعوت کند. عصر روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ (اول مهرماه ۱۳۵۹)، جلسه شورای امنیت برای مشاوره غیررسمی درباره جنگ عراق و ایران تشکیل شد (آقایی، ۱۳۹۲: ۲۷۶-۲۷۷)، شورا کار خود را در قبال جنگ عراق علیه ایران با صدور بیانیه‌ای ضعیف در یک روز پس از شروع جنگ، آغاز نمود و چند روز بعد اولین قطعنامه خود را در این خصوص به شماره ۴۷۹ صادر کرد. در این قطعنامه که با قطعنامه‌های شماره ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۸۲، ۵۸۸ دنبال گردید، برخوردی عادلانه و ریشه‌ای با موضوع جنگ عراق با ایران نشده بود. هرچند گه گاه مثلاً در قطعنامه‌های ۵۴۰ و ۵۸۲ نشانه‌ای از علاقه به جلب رضایت جمهوری اسلامی به چشم می‌خورد، اما این کوشش‌ها به قدری ضعیف و ناچیز بود که به هیچ‌روی نمی‌توانست فاصله بین دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران و شورای امنیت را از بین ببرد (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۲۷۶). شورای امنیت در اولین قطعنامه خود هیچ اشاره‌ای به تجاوز عراق به خاک ایران نکرده است و طبق منشور اقدام نیروهای بعثی علیه خاک ایران را نقض صلح معرفی نکرد و نیروهای بعثی عراق را محکوم نکرد که نیروهایش را از خاک ایران خارج سازد. همین اقدام شورای امنیت بی‌اعتمادی مسئولان جمهوری اسلامی را نسبت به شورای امنیت افزایش می‌دهد و قطعنامه ۴۷۹ را رد می‌کند.

بر این اساس شورای امنیت هم که تحت تأثیر مطلق قدرت‌های بزرگ در قبال جنگ تحمیلی در ابتدا بی‌مبالا ظاهر شد، ولی به مرور با تداوم جنگ و برتری کسب‌شده از سوی ایران در صحنه نبرد، به ایفای نقش مبادرت کرد و قطعنامه‌هایی را با رویکردی یک‌سویه و تحریف واقعیت‌ها صادر نمود. در واقع این قطعنامه‌ها نیز که صرفاً بر برقراری آتش‌بس تأکید داشته و نسبت به تعیین متجاوز و برقراری صلح بی‌تفاوت بودند. در زمان‌هایی به تصویب رسیدند که ایران در عرصه میدانی به پیشرفت‌هایی دست یافته و موازنه به نفع آن تغییر کرده بود. پس این روند فعالیت شورای امنیت نیز حاکی از عزم قدرت‌های بزرگ برای تحقق سیاست جنگ بدون پیروز بود (سید تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۶).

نقض صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل:

بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که «نقض صلح» با «تجاوز» تفاوت چندانی ندارد و سازمان ملل به

همان اندازه اختیار دارد بحران را از میان بردارد و مجاز است که با عامل به وجود آورنده آن یعنی کشور خاطی مبارزه نماید (آقایی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در این خصوص سازمان ملل متحد وظیفه سنگینی را از زمان شکل‌گیری‌اش بر عهده دارد. در این راستا منشور در بند ۱ ماده ۱ هدف اولیه سازمان ملل متحد را «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و به عمل آوردن اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل» اعلام می‌کند. منشور در بند ۳ ماده ۲ پس از بیان این اصل «همه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل خواهند کرد»، به صراحت در بند ۴ اعلام می‌دارد «همه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبنایت داشته باشد خودداری خواهند نمود» (علیخانی، ۱۳۹۴: ۲۶).

اقدامات عراق از منظر حقوق بین‌الملل:

۱) نقض کنوانسیون ژنو: کنوانسیون بین‌المللی ژنو مفادی را برای زمان جنگ وضع کرده است که از افرادی که دیگر در جنگ نیستند، حفاظت و حمایت می‌کند. بنیان‌گذاری و گسترش کنوانسیون ژنو براساس تجربه‌هایی است که حکومت‌ها در دوران جنگ‌هایشان گردآورده بودند. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به سال ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی آن، همگی به نحوی در بهبود سرنوشت زخمیان و مجروحان نظامی و غیرنظامی و نیز وضعیت در خصوص اسرای جنگ، رسانیدن کمک‌های پزشکی به غیرنظامیان، ممنوعیت حمله به افراد غیرنظامی و مکان‌های غیرنظامی قواعدی بیان نموده و این کنوانسیون باید از جانب تمام کشورها رعایت شود.

۱) اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی در کنوانسیون ژنو: بند ۵۱ پروتکل ژنو، اشعار می‌دارد که جمعیت‌ها و افراد غیرنظامی از خطرات ناشی از عملیات نظامی در امان خواهند بود. بند ۲ همین ماده مورد هدف قراردادن جمعیت‌های غیرنظامی و انجام اعمالی را که هدف مستقیم آن‌ها گسترش ترس در بین این جمعیت باشد را ممنوع کرده است. این ماده، اهداف نظامی را اهدافی می‌داند که بر اساس طبیعت، هدف، محل استقرار و یا نحوه استفاده سهم مؤثری در عملیات نظامی دارند و تخریب کامل یا جزئی به غنیمت گرفتن یا بی‌طرف کردن آن‌ها در شرایط حاکم بر زمان موجب کسب یک مزیت نظامی خواهد شد. بند ۴ نیز دست زدن به این گونه عملیات‌ها بدون رعایت اصل تفکیک را

نیز ممنوع نمود. رژیم عراق در توسل به اقدامات ناجوانمردانه به‌ویژه حمله به شهرها و مناطق مسکونی و افراد بی‌دفاع غیرنظامی، برخلاف عرف و معاهدات بین‌المللی اقدام کرد. جمهوری اسلامی ایران همواره معتقد بود که اهداف مشروع نظامی، نظامیان در جبهه‌های جنگ هستند و نه غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی.

ایران با اتخاذ این تدبیر خواستار عمل به کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی در زمینه رعایت حقوق بشردوستانه و همچنین حقوق جنگ بوده ضمن آنکه ملاحظات انسان‌دوستانه ایران نسبت به مردم مظلوم عراق به مراتب بیشتر از دیدگاه‌های رژیم بعث عراق بوده است. عراق با ایجاد منطقه ممنوعه نظامی در مجاورت مرزهای ایران که اقدامی ناقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود به کشتی‌ها و نفت‌کش‌هایی که عازم بنادر ایران بوده و یا از بنادر ایران خارج شده بودند و یا حتی در بنادر ایران پهلو گرفته بودند، حمله کرد که در پرونده جنایات جنگی صدام، حمله به چندین نفت‌کش ایرانی و حتی نفت‌کش‌های خارجی به چشم می‌خورد.

عراق علاوه بر حمله به کشتی‌ها، به ناوگان مسافربری و غیرنظامی و فرودگاه‌های غیرنظامی ایران نیز حمله نموده است. سرنگون کردن هواپیما حامل وزیر خارجه الجزایر در سفر به ایران، اوج اقدام نظامی عراق علیه یک هواپیما غیرنظامی دولت ثالث (و نه دولت متخاصم) بوده است. در حمله دیگر هواپیماهای نظامی عراق فرودگاه شیراز را مورد حمله خود قرار داده و یک فروند هواپیمای مسافربری را منهدم نمودند. حمله به قطار مسافربری ایرانی یکی دیگر از اقداماتی بوده که ماده ۵۲ پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو را نقض نموده است؛ چراکه این اهداف جزء اهداف نظامی نبوده و این اقدام خلاف مقررات بین‌الملل و کنوانسیون ژنو محسوب می‌شد.

۲) اصل ممنوعیت طرفین درگیر جنگ در استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای جنگی: این اصل نیز یکی از اساسی‌ترین قاعده‌های کنوانسیون چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن است. منظور و هدف اصلی از وضع این گونه قوانین آن است که دولت‌ها در جریان درگیری‌های نظامی، دارای آزادی نامحدود در توسل به هرگونه ابزار و یا تجهیزات نظامی و همچنین شیوه‌ها و تاکتیک‌های نظامی نباشند، بلکه موظف‌اند از میان وسایل و ابزار موجود برای رسیدن به هدف نظامی مشروع، لوازم و شیوه‌هایی را انتخاب نمایند که کمترین صدمه و جراحت و تخریب را در برداشته باشد.

بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول ژنو، اشعار می‌دارد که حق طرفین در انتخاب شیوه‌ها یا وسایل جنگی نامحدود نیست و بند ۲ نیز استفاده از هر سلاح، ماده و یا شیوه‌ای که منجر به صدمه بیشتر از حد یا رنج بیهوده می‌شود، ممنوع می‌کند. علاوه بر کنوانسیون‌های مذکور، برخی از معاهدات نیز کاربرد

سلاح‌های خاص را ممنوع کرده است؛ برای مثال بند الف ماده ۲۳ مقررات لاهه ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه استفاده از انواع سموم و مواد شیمیایی را در مخاصمات مسلحانه ممنوع نمود. پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، استفاده از گازهای سمی و سلاح‌های باکتری و بیولوژیک را ممنوع کرد. مجمع عمومی سازمان ملل، همه‌ساله با صدور قطعنامه‌های متعدد بر اعتبار پروتکل ژنو و ضرورت خلع سلاح شیمیایی و بیولوژیک تأکید می‌کند. عراق با تخطی از ممنوعیت‌های مذکور در زمینه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در موارد مختلفی با توسل به این گونه سلاح‌ها فاجعه عظیمی را هم برای ملت خود و هم برای مردم بی‌دفاع و غیرنظامی ساکن در شهرهای مرزی ایران به بار آورد. نخستین گزارش مربوط به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی مربوط به روزهای اولیه جنگ است. از اواسط سال ۱۳۶۲ که ایران برتری نظامی خود را در بسیاری از جبهه‌ها بر عراق تحمیل کرد، ارتش عراق به این نکته واقف گردید که نمی‌تواند با استفاده از شیوه‌ها و تسلیحات متعارف و معقول نظامی مانع پیشروی ارتش ایران شود؛ بنابراین سعی در توسل به سلاح‌های نامتعارف برای زمین‌گیر کردن ارتش ایران کرد. بمباران شیمیایی مناطق غیرنظامی، نشان‌دهنده عدم پایبندی عراق به قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه مربوط به حمایت از نظامیان و غیرنظامیان است. طی جنگ تحمیلی، عراق در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی از به‌کارگیری انواع عوامل شیمیایی مانند گازهای خردل، تاول‌زا، فسفر، اعصاب، ناتوان‌کننده، نیتروژن، ترکیبات خردلی و خون، سیانول، خفه‌کننده و...، از طریق بمباران هوایی و شلیک توپخانه‌ها دریغ نکرد. منابع ایرانی تعداد حملات شیمیایی عراق را طی ۸ سال جنگ تحمیلی بیش از ۲۵۲ مورد ذکر نمودند. تعداد حمله‌های شیمیایی و تنوع عوامل به کار گرفته شده در این جنگ بی‌سابقه بود و این حملات وحشیانه منجر به مجروح شدن بیش از یک‌صد هزار نفر از هموطنان ایرانی شد که خیل عظیمی از آن‌ها به شهادت رسیدند (www.vista.ir).

۳) نقض معاهده حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ: عراق در ۲۶ اسفند ۱۳۶۳ و در اوج حملات هوایی و موشکی خود علیه مردم بی‌دفاع شهرها و انهدام مناطق مسکونی یک اطلاعیه هوایی (نوتام) صادر کرد. که در این اطلاعیه نظر به عملیات جنگنده‌های نیروی هوایی عراق در محدوده قلمرو هوایی ایران، عراق خود را مسئول امنیت پروازهای بین‌المللی در قلمرو هوایی ایران نمی‌داند (درویشی سه تلانی، ۱۳۹۳: ۳۸۰). از آنجا که این عمل با معاهده «حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ» مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنوانسیون ژنو، در تضاد بود، حجم وسیعی از نامه‌نگاری به دبیرکل سازمان ملل آغاز شد. در همین جهت بود که دبیرکل سازمان ملل، هیئتی را در جهت بررسی و بازدید از مناطق تخریب‌شده دو طرف، به ایران و عراق فرستاد. این هیئت، پس از بازدید از شهرهای مختلف

ایران و عراق، گزارش خود را تسلیم دبیرکل سازمان ملل کرد. دبیرکل، گزارش فوق را در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۳ به شورای امنیت تقدیم کرد، اما شورا با توجه به وظایفش و نیز با توجه به حساسیت موضوع، جلسه‌ای رسمی برای صدور قطعنامه و حتی جلسه‌ای غیررسمی، برای صدور بیانیه‌ای که اختصاص به لزوم رعایت کنوانسیون ژنو، در مورد رعایت مصالح مردم غیرنظامی داشته باشد، تشکیل نداد، و در این مورد سکوت کرد (آقای، ۱۳۹۲: ۲۸۹)، و در قطعنامه ۵۴۰ که شورای امنیت از طرفین جنگ خواست که به جنگ شهرها خاتمه دهد.

۴) نقض کنوانسیون ۱۹۷۲: بعد از جنگ جهانی دوم، ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفت. از سال ۱۹۶۱ که کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل متحد تشکیل شد، مسئله تحریم تسلیحات شیمیایی نیز تحت بررسی و تدقین کمیسیون قرار داشت. تلاش‌های کمیسیون، سرانجام منجر به انعقاد کنوانسیون ۱۹۷۲، شد. عراق در ۱۱ مه ۱۹۷۲ این کنوانسیون را امضا و ایران نیز در ۸ اوت ۱۹۷۳ به آن ملحق گردید (آقای، ۱۳۹۲: ۳۰۰). در تابستان ۱۹۸۲ ایران گزارش داد که عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است. بر اساس توافقنامه ژنو، جامعه بین‌المللی به جنگ شیمیایی واکنش نشان می‌دهد، اما چون ایران در انزوای سیاسی به سر می‌برد شکایت‌های این کشور بی‌پاسخ ماند و جامعه بین‌المللی سکوت اختیار کرد. با وجود این ایران در اکتبر ۱۹۸۳ اقدامات خود را شدت، و در نوامبر، از شورای امنیت درخواست تحقیق و تفحص نمود (بتیل، ۱۳۸۳: ۱۱۶). بیانیه‌هایی که در این زمان صادر می‌شود کاربرد سلاح‌های شیمیایی از طرف عراق در جنگ با ایران را صریحاً از طرف دبیرکل و شورای امنیت محکوم می‌کند و به ویژه در مورد آخر، وزارت امور خارجه ایران در عکس‌العمل نسبت به این بیانیه اعلام داشت، ادامه و تشدید کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، یک جنایت علیه بشریت است. ارتباط دادن مسئله جنگ با کاربرد سلاح‌های شیمیایی، قصور دیگری از جانب شورا در قبال وظایف اساسی اش می‌باشد. همچنین لازم است اقدامات عملی در تحریم صدور مواد قابل استفاده در ساخت سلاح‌های شیمیایی به عراق، از جانب همه کشورها به عمل آید. این بیانیه با وجود آنکه متناسب با اهمیت فاجعه نبود، اما عکس‌العمل جهانی قوی و مناسبی را به نفع جمهوری اسلامی ایران برانگیخت و کشورها و سازمان‌های بسیاری، عراق را به خاطر کاربرد مجدد سلاح‌های شیمیایی محکوم ساختند (آقای، ۱۳۹۲: ۳۰۲).

به جرأت می‌توان گفت رژیم عراق پیمان‌شکن‌ترین رژیم جهان بود و هیچ مقررات و ضابطه بین‌المللی در زمینه جنگ باقی نمانده است که از سوی این رژیم نقض نشده باشد. موارد نقض مقررات بین‌المللی از سوی رژیم عراق بسیار زیاد است که در اینجا به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل

- ۱) لغو یک‌جانبه قرارداد مرزی ۱۹۷۵ ایران و عراق در آستانه حمله گسترده نظامی به خاک جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲) نقض بند یک ماده ۳۳ منشور ملل متحد در مورد مراجعه به روش‌های مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات و عدم تمسک به قوه قهریه؛
- ۳) نقض مقررات انسانی قوانین بین‌المللی حقوق بشر و کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در زمینه عدم حمله نظامی به مناطق مسکونی و غیرنظامی؛
- ۴) نقض توافق ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ با دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد عدم حمله به مناطق مسکونی؛
- ۵) نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد رفتار با غیرنظامیان، اسرای زخمی و بیمار، و امدادگران و پزشکان، به صورت قتل اسرای مجروح، اعدام افراد اسیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به اسارت در آوردن شهروندان و غیرنظامیان، به اسارت گرفتن پزشکان و امدادگران، اعمال شکنجه و انواع بدرفتاری جسمی و روحی نسبت به اسرای ایرانی؛
- ۶) نقض پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو و کنوانسیون ۱۹۷۲ ژنو در مورد عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ؛
- ۷) نقض کنوانسیون حقوق دریاها و قطعنامه‌ها و توافق‌نامه‌های مربوط به آزادی کشتیرانی در آب‌های بین‌المللی به صورت حمله به کشتی‌های تجاری و مین‌گذاری آبراه‌های بین‌المللی در خلیج فارس، به نحوی که به ادعای خود این رژیم تا صدها فروند کشتی تجاری در خلیج فارس هدف آتش عراق قرار گرفته است؛
- ۸) نقض کنوانسیون کویت در مورد حفاظت محیط‌زیست خلیج فارس به صورت حمله به چاه‌های نفتی دریایی که منجر به نشت هزاران هزار بشکه نفتی از چاه‌های مزبور و آلودگی آب‌های خلیج فارس و سواحل آن گردید و حیوانات آبری بسیاری را نابود ساخت که سرانجام با همت متخصصان ایرانی پس از ۲۳۰ روز مهار شد؛
- ۹) نقض کنوانسیون شیکاگو و پیمان بین‌المللی هوایی ۱۹۴۴ در مورد هواپیمایی آزاد به صورت حمله به هواپیمایی تجاری، دزدی هوایی، نسبت به خطوط هوایی جمهوری اسلامی ایران و تهدید خطوط هواپیمایی بین‌المللی در مورد عبور از آسمان ایران و حتی حمله به هواپیمای وزیر خارجه الجزایر، بن یحیی، در تاریخ ۶۱/۲/۱۲ که در مرز هوایی بین ترکیه و ایران رخ داد و منجر به شهادت وی و همراهانش گردید؛
- ۱۰) نقض کنوانسیون لاهه و مقررات یونسکو در مورد حفظ آثار و اموال فرهنگی و احتراز از حمله

به این آثار در زمان جنگ، به صورت تخریب آثار باستانی جنوب ایران از جمله قلعه و موزه شوش، بقعه دانیال نبی، آثار باقیمانده از شهر آپادانا در شوش، قلعه سلاسل، موزه هفت تپه و پل باستانی شوشتر و حمله هوایی به مسجد جامع اصفهان که از بناهای مهم تاریخی در فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود. حمله عراق به این مسجد مورد اعتراض مجامع بین‌المللی از جمله یونسکو واقع گردید؛ (۱۱) نقض پروتکل ۱۹۷۰ ژنو و قطعنامه ۴۰۷ آژانس بین‌المللی انرژی در مورد عدم حمله به نیروگاه‌های اتمی؛

(۱۲) نقض ماده ۲۵ از قرارداد چهارم ۱۹۰۷ که بمباران یا حمله به شهرها، روستاها، مناطق مسکونی و ساختمان‌های بی‌دفاع را ممنوع می‌داند.

(۱۳) نقض موادی از قرارداد دوم لاهه ۱۸۹۹ و قرارداد چهارم ۱۹۰۷ در خصوص مقررات جنگ‌های زمینی، که به حمایت از غیرنظامیان و ممنوعیت حمله به اهداف غیرنظامی اختصاص یافته است. (www.jamejamonline.ir)

نتیجه‌گیری

طبق فصل ششم و هفتم منشور، شورای امنیت از کشورها می‌خواهد اختلافات خود را از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و از هرگونه استفاده از ابزار زور علیه همدیگر خودداری نمایند و در صورت حمله به کشور دیگر و نقض تمامیت ارضی متجاوز شناخته خواهد شد و می‌بایستی طبق دستورالعمل منشور با متجاوز برخورد شود. تجاوز نیروهای بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده نقض کاملاً آشکار تمامیت ارضی ایران بود. در این میان سیاست‌های عملکردی سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که قریب به اتفاق آنها با ندای صلح جهانی پایه‌ریزی شده بودند، جای تأمل دارد. شورای همکاری‌های خلیج فارس از همان آغاز تجاوز عراق و در راستای راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مبنی بر کنترل انقلاب اسلامی و جلوگیری از بالندگی آن، کمک‌های بسیار ذی‌قیمتی در اختیار عراق گذاردند که از جمله آن می‌توان به کمک‌های مالی فراوان و کمک به صدور نفت ایران نام برد. عملکرد این شورا به طور غیر رسمی ایران را منبع ناامنی معرفی می‌کرد.

«کمیته مساعی جمیله» سازمان کنفرانس اسلامی هم‌علی‌رغم ارائه دو طرح برای برقراری صلح بین دو کشور ایران و عراق، اما عملاً به دلیل نفوذ گسترده دولت‌های قدرتمند میانه‌رو عرب نتوانست به اتخاذ تصمیمات اصولی، عادلانه و منطبق با منشور سازمان مبادرت نماید. این سازمان با تأکید بر

واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل

استقرار آتش‌بس، بدون عقب‌نشینی نیروهای متجاوز، عملاً به جانبداری از طرف عراقی پرداخت. هر چند تحولاتی در جهت واقع‌بینی سازمان نسبت به جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در طول زمان متأثر از اقدامات نظامی دیده می‌شود، اما این اقدامات مصلحت‌اندیشانه با توجه به ساختار اقتصادی-نظامی کشورهای عضو و ناتوانایی آن‌ها در اعمال فشار بر طرفین و مواضع حمایت‌گرانه کشورهای عربی از عراق قابل توجه بود.

تشکیل «کمیته حسن‌نیت» در جنبش عدم‌تعهد، تمایل باطنی اعضای آن را برای فیصله یافتن جنگ نشان می‌داد، اما مخالفت‌های عراق که در اوایل جنگ در موضع برتری قرار داشت، کار آن را بی‌نتیجه گذاشت. سکوت سنگینی که پس از آن بر جنبش عدم‌تعهد حکم فرما شد، در حقیقت اعلام ناکارآمدی و پایان دوران درخشان این جنبش بود. برخی اعضای جنبش عدم‌تعهد به‌ویژه کشورهای طرفدار عراق با سنگ‌اندازی‌های متوالی در متجاوز اعلام شدن عراق در نشست‌های مختلف این جنبش، مانع از برقراری صلح و آتش‌بس میان ایران و عراق می‌شدند. بدین ترتیب با دور افتادن جنبش از آرمان‌های بنیان‌گذاران و اصول و اهداف جنبش مانند احترام به حاکمیت کشورها، اعضای جنبش از اتخاذ موضع‌گیری شفاف در قبال جنگ ایران و عراق بازماندند.

اولین واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد به تجاوز همه‌جانبه عراق به ایران بسیار دیر و کم‌رنگ بود. برای حدود یک هفته شورای امنیت از تشکیل جلسه و صدور قطعنامه خودداری کرد تا اینکه بالاخره در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ و در جلسه ۲۲۴۴ خود مبادرت به صدور قطعنامه‌ای بسیار ضعیف نمود. همچنین در این میان برخوردی عادلانه و ریشه‌ای با موضوع جنگ عراق با ایران نشده بود. هر چند گاه مثلاً در قطعنامه‌های ۵۴۰ و ۵۸۲ نشانه‌ای از علاقه به جلب رضایت جمهوری اسلامی به چشم می‌خورد، اما این کوشش‌ها به قدری ضعیف و ناچیز بود که به هیچ‌روی نمی‌توانست فاصله بین دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران و شورای امنیت را از بین ببرد، شورای امنیت در اولین قطعنامه خود هیچ اشاره‌ای به تجاوز عراق به خاک ایران نکرده است و طبق منشور اقدام نیروهای بعثی علیه خاک ایران را نقض صلح معرفی نکرد و نیروهای بعثی عراق محکوم نکرد که نیروهایش را از خاک ایران خارج سازد. همین اقدام شورای امنیت باعث افزایش بی‌اعتمادی مسئولان جمهوری اسلامی نسبت به شورای امنیت می‌شد. اما شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد با نادیده گرفتن تجاوز عراق و عدم برخورد با آن کشور سبب می‌شود جنگ هشت سال به طول بکشد و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر هر دو کشور وارد آید. یکی از نقدهایی که مکرراً بر شورای امنیت وارد می‌شود این است که این رکن سازمان ملل متحد ابزار دست قدرت‌های بزرگ است. از ۱۵ عضو شورای امنیت، ۵ عضو دارای

عضویت دائم و دارای حق و تو هستند و همین امر سبب می‌شود در قطعنامه‌های صادره شده یا در تصمیمات مأخوذه، تأثیر مهمی داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا، بارها از عملکرد شورای امنیت انتقاد کرده بود. تجاوز عراق بر تمامیت ارضی ایران با برخورد شدید شورای امنیت و دبیرکل مواجه نمی‌شود و در قطعنامه‌هایی که پس از آن صادر می‌شود نامی از متجاوز برده نمی‌شود و همین امر سبب می‌شود قطعنامه‌ها مورد قبول ایران نباشد. جمهوری اسلامی ایران دو درخواست داشت: اول اینکه متجاوز معرفی شود و دوم، بحث غرامت بود که خسارات علیه ایران وارد شده بود.

با گذشت بیش از سه سال از برقراری آتش‌بس در گزارش دبیرکل به شورای امنیت، عراق به‌عنوان متجاوز به خاک ایران معرفی می‌شود، اما در برابر آن هیچ واکنشی نشان داده نشد. به‌رحال اگر در آغاز تجاوز عراق به خاک ایران مستحکم‌تر عمل می‌کرد و در قطعنامه صدام حسین را به‌عنوان متجاوز معرفی می‌کرد و با فشار نیروهای بعثی را مجبور می‌کرد خاک ایران را ترک کنند دیگر صدام حسین به خود اجازه نمی‌داد که در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ به کویت حمله کند.

واقعیت تلخ این است که جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران تنها یک مواجهه نظامی و مداخله گسترده در درون مرزهای ایران نبوده است، بلکه این همکاری ابرقدرت‌ها در نظام دو قطبی بوده و رژیم متجاوز عملاً با چراغ سبز ابرقدرت‌ها تمام موازین و اصول انسانی بین‌المللی در مورد رفتار با غیر نظامیان در زمان جنگ و ممنوعیت انهدام تأسیسات غیر نظامی و مناطق اقتصادی سرزمین‌های اشغالی ایران را نادیده گرفت.

از آنجا که اسناد موجود نشان می‌دهد که اقدام عراق ظاهراً از مقاصد توسعه طلبانه بوده، این اقدام می‌تواند در ردیف شدیدترین تخلفات از ممنوعیت استفاده از نیروهای مسلح طبق حقوق بین‌الملل و در محدوده مفهوم تجاوز قرار گیرد و محکوم شود.

به نظر می‌رسد بسیاری از زوایای مختلف مظلومیت جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی همچنان در دایره‌ای از ابهام باقی مانده که تلاش محققان، علاقه‌مندان و دلسوزان را می‌طلبد تا با کاوش و ریشه‌یابی، حقایق را برای اذهان علاقه‌مند بیش از پیش نمایان سازند.

کتابنامه

منابع فارسی

- امینی نیا، عاطفه (۱۳۸۹)، جایگاه حق بر صلح در منشور ملل متحد با نگاهی به عملکرد شورای امنیت، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره سیزدهم، بهار و تابستان
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر. ص. ۲۹. شابک ۹۶۴۷۷۶۳۲۲۰.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۵)، سازمان‌های بین‌المللی از نظریه تا عمل گذشته، حال و آینده، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- ژولین فروند، (۱۳۸۴)، سیاست چیست؟، تهران، عبدالوهاب احمدی، نشر آگه
- سیمبر، رضا، قربانی شیخ نشین، ارسال، (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی، تهران، انتشارات سمت.
- سوداگر، هاشم، امیری، علی نقی، امامی، سید مجتبی، (۱۳۹۷)، واکاوی و تحلیل مفهوم خط مشی عمومی، ماهیت، صفات و غایت، فصلنامه مدیریت دولتی
- مصفا، نسربین و همکاران (۱۳۹۴). مفهوم تجاوز در حقوق بین‌المللی، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۷)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان.
- عبداللهی، محمد مجید (۱۳۸۸)، «تعریف سیاست». اثر. آفتاب آنالین.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۴)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۴). باید و نبایدهای دین و سیاست. ترجمه عبدالعزیز سلیمی. تهران: نشر احسان
- کیت اس. پیس، کلی (۱۳۹۲). سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران: بنیاد حقوقی میزان
- کامران، حسن، کرمی، افشین، (۱۳۹۳)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال چهاردهم، شماره ۳۳.
- محمدی، حمید رضا، احمدی، ابراهیم، (۱۳۹۰). تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نودزی، حسینعلی، (۱۳۸۷)، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران، انتشارات طرح نو
- نعیمی ارفع، بهمن (۱۳۷۰)، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال ج. ا. ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد
- ویکی فقه دانشنامه حوزوی

منابع خارجی و وبگاه‌های اینترنتی:

- www.parsmodir.com
- www.athir.blogfa.com
- www.women.gov.ir
- www.hamshahrionline.ir
- www.asiawt.isca.ac.ir
- www.porseman.com
- www.dm40.guilan.ac.ir
- www.vista.ir
- icro.ir.www
- www.jamejamonline.ir